

کنفرانس سران در مسکو:

نخستین قرارداد خلع سلاح هسته‌ای به اجرا در می‌آید

کرمین، کاهش جنگ افزارهای تهاجمی - استراتژیک به میزان ۵۰ درصد، رعایت اکید قراردادهای کنونی، منع تولید سلاح های شیمیایی، تحدید جنگ افزارهای سنتی و نیروهای مسلح، آزمایش های هسته‌ای، حل درگیری های منطقه‌ای، مناسبات اقتصادی - بین المللی، مهارزه با فقر و مسائل انسانی را مهم ترین مسائل مورد مذاکره خواند.

رفیق کارهاچف گفت:

" آقای رئیس جمهور و خانم ریگان! شما، که برای

بقیه در ص ۷

چهارمین دیدار میخائیل گارباچف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، و رونالد ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، بعد از ظهر روز سی ام مه ۱۹۸۸، در مسکو آغاز شد. در جریان اقامت پنج روزه ریگان در اتحاد شوروی چهار دور مذاکرات میان او و گارباچف صورت گرفت. دستور جلسه این مذاکرات مسائل پنیادی تحدید سلاح و خلع سلاح، حقوق بشر، درگیری های منطقه‌ای و مناسبات متقابل را در بر می گرفت.

میخائیل گارباچف در خوش آمد خود به ریگان در کاخ



شماره ۲۱۰ دوره هشتم
سال پنجم سه شنبه ۱۳۶۷/۳/۱۷

سها ۲۰ ریال

نقش ج.ا. در اوضاع نا آرام لبنان

ایجاد یک حکومت "اسلامی" در لبنان، هدف استراتژی سازمان تروریستی "حزب الله" در این کشور است. این نیرو، که نقش کاملاً منفی و مخرب دارد، بر آن است تا به هر قیمتی که شده در بخش کوچکی از لبنان دولتی تشکیل بدهد و بس بر حیطه قدرت خود بیفزاید.

"حزب الله"، که حداقل بخشی از آن توسط پاسداران اعزامی از ایران متشکل و سازماندهی شده است و چه بسیار از افراد آن در ایران دوره خرابکاری دیده اند و می بینند، در واقع بازوی اجرایی سیاست رژیم "ولایت فقیه" در لبنان است و در مقابل "خدمات" خود سالانه بالغ بر صد میلیون دلار دریافت می‌دارد. مقادیر زیادی نیز اسلحه و مهمات و امکانات دیگر در اختیار آن گذاشته می‌شود.

ج.ا. علاوه بر آن که با سو استفاده از اوضاع آشفته لبنان تلاش می‌ورزد در راه "صدور انقلاب" و استقرار حکومت "اسلامی" دست نشانده خود در این کشور از "حزب الله" بهره گیرد، برای آن که روی "غرب" تاثیر بگذارد و مقاصدش را به کرسی بنشاند، از این جریان برای ترور و آدم ربایی استفاده می‌کند. سپس بر سر آزادی گروگانها با طرف مربوطه معامله می‌کند. رسوایی ج.ا. در این زمینه تا آن حد رسیده که به مجرد روبرو شدن شخص یا اشخاصی در لبنان، کشور متبوعشان بلافاصله با رژیم ج.ا. وارد مذاکره می‌شود که زمینه آزادی اتباع خود را فراهم سازند. "حزب الله" در ایجاد نا آرامی‌ها در لبنان نقش مهم را عهده دار است. تاکنون بسیاری از چهره‌های برجسته جنبش لبنان، ام از کمونیست و بقیه در ص ۲

ناوشکن جدید آمریکا در خلیج فارس

خبرگزاری "آسوشیتدپرس" خبر می‌دهد که ناوشکن "وینسن سن" از تنگه هرمز گذشت و وارد آبهای خلیج فارس شد. این ناوشکن با ظرفیت بالغ بر ۴۰۰ تن، به سیستم الکترونیک اداره جنگ پنام "ای جیس" مجهز است. ناوشکن "وینسن سن" یکی از مدرنترین ناوهای نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رود. فرمانده این ناو اعلام داشت که با ورود "وینسن سن" به خلیج فارس نیروهای نظامی آمریکا تا حد زیادی تقویت گردید. زیرا تاکنون ناوگان نظامی آمریکا، چنین ناوشکنی را در این حوضه در اختیار نداشت. به گفته فرمانده ناو، قدرت این ناوشکن به اندازه چندین ناو جنگی است. او برای نشان دادن قدرت این ناوشکن به عنوان نمونه ابراز داشت که سیستم "ای جیس" امکان آن را فراهم می‌سازد که این ناو در آن واحد چندین هدف هوایی را آماج قرار دهد.

خبرگزاری‌های خارجی خبر می‌دهند که محافل رسمی آمریکایی از توضیح پیرامون هدف ورود این ناوشکن به خلیج فارس خودداری کرده اند. بنظر کارشناسان، این ناوشکن قاعدتاً باید به همراه ناوهای هواپیمابر در اقیانوس عمل کند. کارشناسان همچنین برآنند که امکانات جنگی این ناوشکن برآنتب پیش از مجموعه امکانات هریک از مخالفان احتمالی ایالات متحده آمریکا در حوضه خلیج فارس است.

بقیه در ص ۳

مرز اصول لنینی و ضد لنینی

تصمیمات قاطع پلنوم دیماه ۱۳۶۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران برای مبارزه با پدیده‌های منفی، که بهر علت ایجاد ناامنی و عدم اعتماد در درون حزب می‌کنند، همچنین جنگ روانی سازمان داده شده از جانب رژیم و عمال امپریالیسم علیه حزب توده‌ای ما، پرسش‌هایی برای برخی از هواداران حزب در خارج از کشور مطرح ساخته است.

می‌پرسند، آیا در قطعنامه و آئین نامه اجرایی اساننامه در شرایط کار مخفی به مسئله مرکزیت پر اهمیت داده نشده است؟ آیا تبعیت اقلیت از اکثریت کماکان حتمی است و اعضای حزب مجبورند تصمیم کمیته مرکزی را به موقع اجرا بگذارند و آیا حق اظهار نظر درباره آن را دارند؟

در پاسخگویی به این پرسشها پیش از هر سخنی باید خاطر نشان سازیم که کلیه اسناد و مدارک حزبی ما تا آنجا که مربوط به مسائل سازمانی است، کلاً با توجه به اصول و موازین لنینی حزب طبقه کارگر تنظیم می‌شود و برآنیم که عدول از این اصول به خصلت پرولتری حزب لطمه خواهد زد.

رفقا می‌دانند که مبارزه احزاب کمونیست در کشورهای سرمایه داری در شرایط مشابهی انجام نمی‌گیرد. در بسیاری از کشورهای رشد یابنده، احزاب کمونیست و کارگری مجبورند به علت وجود رژیم ترور و اختناق در شرایط مخفی مبارزه کنند. حتما همه خوانندگان "نامه مردم" این اصل را بقیه در ص ۲

معدنکاران: تندیسهای بی مثال رنج و محرومیت

"می‌جنگیم، می‌میریم، سازش نمی‌پذیریم" به خیابانها کشاند و از زبان آنها اعلام داشت که تا "پیروزی نهایی" حضور گسترده شان را در صحنه‌های جنگ حفظ خواهند کرد.

رژیم در اوضاع و احوالی بی‌شرمانه از "بزرگداشت مقام معدنکاران" و از خواست آنها بقیه در ص ۶

در جمهوری اسلامی، در کار برگزاری زنجیره بی‌پایان "هفته‌ها، از ۷-۱ خرداد، هفته معدن برگزار شد. در روز ششم این هفته - روز معدن و معدنکار - رژیم با اصطلاح برای "بزرگداشت مقام معدنکار" گروهی از معدنکاران تحت پوشش شرکت ملی فولاد ایران و اداره کل معادن و فلزات استان تهران را زیر شعارهای "جنگ، جنگ تا پیروزی"،

روشنات نقد

* انقلاب به نرخ روز!

در ص ۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

مواضع اصول لنینی و

قبول دارند که مبارزه بطور عمده در داخل کشور جریان دارد. سرنوشت آینده انقلاب را نیز مبارزاتی که در صف نخست نبرد بی‌امان به پیکار مداوم ادامه می‌دهند، حل خواهند کرد. در مهاجرت فقط می‌توان این مبارزه را تسریع، فداکاری و از جان‌گدشگی رفقای خود رادر تمام جهان منعکس و برای پیشبرد مبارزه، برحق مردم میهنان، شرایط مساعد بین‌المللی ایجاد کرد. اگر این اصل مورد قبول قرار گیرد و خودمحموربینی و جاه‌طلبی کنار گذاشته شود، در اینصورت به آسانی می‌توان پاسخ پرسش‌های خود را در آثار مارکسیستی - لنینیستی پیدا کرد. ما در اینجا درصدد آن نیستیم که توضیحات مفصلی در اینباره بدهیم. ما از همه کسانی که این سئوالها را مطرح کرده‌اند می‌خواهیم که بار دیگر تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی، بویژه دوران تشکیل حزب سوسیال دموکراسی روسیه را مورد بررسی قرار دهند.

لنین در آن ایام در مبارزه با منشویکها تمام جوانب مسائلی از قبیل سانترالیسم (مرکزیت) و دمکراتیسم و نیز مسئله تبعیت اقلیت از اکثریت را مشروحاً توضیح داده است. مثلاً در صفحه ۷۸ تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی می‌خوانیم: "ایسکرا، از شماره ۵۲ به بعد، ارگان مبارزه در راه حزب نبود. منشویکها ایسکرا را به کرسی تبلیغ اپورتونیسم در مسائل سازمانی تبدیل کردند. مبانی حزبیت: خواست حتمی الاجر بودن تصمیمات حزب را "بوروکراتیسم" و "فرمالیسم" می‌خواندند، تبعیت اقلیت از اکثریت را فشار "خشن مکانیکی" بر آزادی و اراده عضو حزب می‌نامیدند. منشویکها حزب را به عقب، بسوی پراکنندگی سازمانی و آشفتگی، بدوره فعالیت محفلی و ابتدایی می‌کشاندند". لنین برای نبرد قاطع بر ضد منشویکها و اپورتونیسم آنها در مسائل سازمانی، اثر مشهور خود "یک گام به پیش، دو گام به پس" را منتشر ساخت که ترجمه فارسی آن در اختیار رفقا هست و باید بارها و بارها آنرا مطالعه کنند. لنین در اثر خود خاطر نشان می‌سازد که حزب مارکسیستی بخشی از طبقه کارگر، گردان پیشانگ آنست. لنین می‌نویسد که حزب عالیترین مظهر آگاهی پرولتاریست که با تکیه بر سنتهای انقلابی بگونه‌ای سرشار تجربه می‌اندوزد. حزب به تئوری علمی، یعنی درک قوانین رشد اجتماعی و مبارزه طبقاتی، مجهز است و از اینرو می‌تواند طبقه کارگر را رهبری کند. حزب نه تنها گردان پیشانگ، بلکه همچنین گردان متشکل طبقه کارگر است. حزب وقتی می‌تواند نقش پیشانگ خود را ایفا کند که به هر گونه انضباط شکنی، خودسری و زیر پا گذاردن اصول لنینی حزب طبقه کارگر پایان دهد.

مصوبات کمیته مرکزی برای همه اعضای حزب حتمی‌الاجرا است. اما این بدان معنا نیست که رفقای حزبی نباید و حق ندارند درباره این مصوبات نظر دهند. هر عضو حزبی می‌تواند آزادانه نظر خود را نه تنها در واحد حزبی خود مطرح کند، بلکه نوشته و به عالیترین ارگان حزبی ارائه دهد. اما هر فردی در عین حال موظف است مصوبه کمیته مرکزی را آنچنان که هست بموقع اجرا بگذارد.

لنین مسئله "مرکزیت" و "دمکراتیسم" در شرایط کار مخفی را نیز توضیح داده است. لنین می‌گفت: "حزب برای ایفای نقش تاریخی خود باید سازمانی محکم و بهم پیوسته باشد. و این امر ضروری می‌سازد که حزب بر پایه مرکزیت بنا گردد. اصل مرکزیت بدان معناست که حزب باید بر پایه اساسنامه واحد سازمان یابد و فعالیت کند؛ از مرکز واحدی که کنتره حزبی و در فواصل کنتره‌ها کمیته مرکزی است، رهبری شود. انضباط واحدی داشته باشد، اقلیت از اکثریت و سازمانهای پائین از سازمانهای بالاتر تبعیت کنند".

لنین خاطر نشان می‌ساخت که دمکراتیسم خصلت حزب مارکسیستی است. اما سازمانهای حزبی در شرایط کار مخفی نمی‌توانند بر مبنای رعایت کامل گزارش دهی و انتخابات تشکیل گردند و پنهانکاری بر آنها جداسایه خواهد افکند.

پلنوم دیماه ۶۶ کمیته مرکزی نیز دقیقاً با این نظر گرفتن این اصول و موازین لنینی، اسناد و مدارک خود را تنظیم و با اتفاق آرا تصویب کرده است. حتی یک فرد در پلنوم دیماه کمیته مرکزی کوچکترین ایرادی به فرمولبندیهای قطعنامه و آئین‌نامه اجرائی ماده ۲۷ اساسنامه نگرفت و این خود دلیل قاطع صحت فرمولبندیهای مورد بحث است. در این زمینه در ماده ۲۵ قطعنامه پلنوم دیماه می‌خوانیم: "پلنوم کمیته مرکزی اهمیت فوق‌العاده‌ای به رعایت پنهانکاری می‌دهد. همه اعضا و هواداران حزب در هر کجا که هستند، نباید فراموش کنند که حزب ما در شرایط مخفی و در محاصره دشمنان عمل می‌کند. در چنین شرایطی باستثنای مسائلی که در مطبوعات حزبی منتشر می‌گردد، همه کارهای درون حزبی پنهانی است.

دشمنان طبقاتی و مخالفان سیاسی ما، از مدت‌ها پیش، جنگ روانی گسترده‌ای را علیه حزب توده ایران آغاز کرده‌اند. آنها تلاش جدی دارند تا از طریق "ناامن جلوه دادن تشکیلات"، "غیر انقلابی و غیر دمکراتیک" نشان دادن حزب، پرونده سازی، ترور معنوی رهبری حزب، تشویق خودمحموربینی و جاه‌طلبی، بهره‌برداری از رقابتهای ناسالم و دادن اطلاعات نادرست و حتی جعل اسناد، به فریب اعضا و هواداران حزب در جهت تضعیف سازمانهای حزبی بپردازند. متأسفانه برخی از هواداران حزب نیز نادانسته در این جنگ روانی شرکت داشته‌اند.

پلنوم کمیته مرکزی بویژه اعمال رفقای را که به نام پراکنی و شایعه‌سازی و نقض موازین حزبی مشغول بوده‌اند، قویاً محکوم می‌کند. افرادی که پس از این بخواهند بدینسان اقدام کنند، نمی‌توانند عضو حزب توده ایران بشمار آیند.

روشن است چنین تصمیمی به هیچ وجه نافی آزادی اظهار نظر اعضای حزب نبوده و نیست. اعضای حزب می‌توانند و باید نظرات خود را آزادانه و بدون کوچکترین محدودیتی در واحدها و هسته‌های حزبی ابراز دارند و با آزادانه تشکیلاتی به ارگان بالاتر تا کمیته مرکزی ارسال دارند. اما هیچ فردی حق ندارد اینگونه نامه‌ها را پخش و منتشر سازد.

اتخاذ چنین تصمیمی در پلنوم دیماه کمیته مرکزی به هیچ وجه تصادفی نبود و در نتیجه بحثهای مفصل و ارائه نمونه‌های مشخص از شیوه‌های

جنگ روانی توسط این یا آن عضو پلنوم بوده است. ما در اینجا ضروری دانیم اظهارات یکی از رفقا را در پلنوم دیماه عیناً بعنوان نمونه بنظر خوانندگان برسانیم. وی در مورد کارزار جنگ روانی علیه حزب توده ایران از جمله گفت: "این جنگ روانی می‌تواند با تحریف شدید ایدئولوژیک توأم باشد، تحریف شدید خط مشی و برنامه سیاسی... وی در ادامه، پس از تذکر اینکه عنصر عمده و اساسی جنگ روانی ایجاد تفرقه در درون حزب است و اینکه دشمن در این زمینه از برخی ضعفها و کاستیها بهره‌گیری کرده و روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کند، افزود: "این نه تجربه اول و نه تجربه آخر برای کمونیست‌هاست که دشمن بخواهد باصطلاح حزب را از درون ویران کند، نفوذ دهد، زیر سیستم قرار دهد، مشکلات عدیده‌ای را برای یک حزب ایجاد بکند".

رفیق گفت: "دشمن با تمام قدرت می‌کوشد که فضای تشکیلاتی حزب را ناامن نشان بدهد، غیر انقلابی نشان بدهد، غیر دمکراتیک نشان بدهد... یکی از هسته‌های فعال و واقعات تعیین کننده مبارزه طبقاتی باصطلاح همین جنگ روانی، جنگ اطلاعاتی است. یکی از کارهای شوم مبارزه، جنگ روانی است و پوشش سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی می‌خواهد. اکنون جنگ روانی شدیدی علیه حزب توده ایران ترتیب داده‌اند. مختصات این جنگ کدام است؟

۱ - تشدید بی‌اعتمادی بین عناصر رهبری، تشدید بی‌اعتمادی بین رهبری و بدنه و در کلیاتش بین حزب و توده‌ها، بین حزب و متحدینش. یعنی رفقا اینترفاکتور اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی خلاصه نکنند. دشمن بی‌تفاوت نیست و با تمام زرادخانه خودش، از امکانات وسیع خودش استفاده می‌کند که این "مشکلات" را بوجود آورد.

۲ - ناامن نشان دادن تشکیلات، بویژه ترویج نوعی تشکیلات گریزی، تشویق به تشکیلات‌گریزی. اکنون دشمن با کمونیستهای منفرد و افرادی که افکار ترقی‌خواهانه دارند ولی در تشکیلات نیستند، زیاد سخت نمی‌گیرد و خطری از جانب آنها احساس نمی‌کند. بلکه با کمونیستهایی که مصمم هستند نه تنها این جهان را تفسیر و تحلیل کنند بلکه مصممند آنرا تغییر دهند، دشمنی دارد. به چه وسیله می‌توان جهان را تغییر داد؟ با تشکیلات، سازمان، با ارگانیزه کردن نیروها و ستاد فرماندهیش. حزب. پس به همین لحاظ است که حزب توده ایران را خصم خود می‌دانند... و تشکیلات بدون رهبری مفهومی ندارد و طبیعی است که در این شرایط رهبری حزب در کل، تشکیلات، آماج حمله قرار می‌گیرد."

براستی نمی‌توان با نظر این رفیق درباره جنگ روانی مخالفت ورزید. طبیعی است هر کس در هر مقامی بخواهد از این شیوه‌ها در مبارزه درون حزبی بهره‌گیری کند، دانسته یا ندانسته در جنگ روانی علیه حزب شرکت خواهد داشت.

همه رفقا می‌دانند که پس از بورش فاشیستی به حزب، در نتیجه انضباط شکنی و خیانت عده‌ای، مشکلاتی برای حزب پدید آمد که نتیجه اش منفعل شدن عده‌ای از هواداران حزب در مهاجرت بود. اکنون نیز بویژه دشمنان و مخالفان حزب می‌کوشند تا هرج و مرج و انضباط شکنی را در پوشش باصطلاح

نقش ج.ا. در اوضاع ...

یا غیر کمونیست، توسط "حزب الهی" ما ترور شده اند. بسبب گذاری در مناطق گوناگون، که اغلب منجر به کشته شدن مردم بیگناه می شود، از شیوه های دیگری است که این مزدوران برای ایجاد رعب و وحشت بکار می گیرند.

درگیریهای خونین اخیر بین جنبش "امل" و "حزب الله" در جنوب بیروت، بر سر مناطقی که تحت نفوذ مسلحانه "هریک از این نیروهاست، هیچ تفاوتی با یک جنگ تمام عیار ندارد. در این جنگ که گویا صدها نفر پاسدار ایرانی مستقر در لبنان نیز شرکت کرده اند، طرفین با تانک و توپ و خمپاره - انداز و موشک انداز بجان هم می افتند. هر روز بر تعداد کشتگان، زخمی ها و میزان خسارت های وارده افزوده می شود. امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل همواره می کوشند تا با هر چه شعله ورتر نگهداشتن آتش جنگ داخلی در لبنان به هدف های خود دست یابند و ج.ا. نیز عملاً با آنان در یک جبهه قرار گرفته است. گویی که قرارداد نانوشته، اما کاملاً معتبری، طرفین را در ایجاد اغتشاش و ناآرامی در خاک لبنان به همکاری وامی دارد. به همان نسبت که ج.ا. بر تشنج در سطح منطقه می افزاید، و این به نفع ایالات متحده آمریکا و اسرائیل است، در داخل لبنان نیز جز ایجاد تشنج برای مایه گرفتن از آب گل آلود، هدفی ندارد.

حکومت ج.ا. هیچ ابائی ندارد از اینکه نقش خود را در دخالت در امور داخلی لبنان پنهان سازد. رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه های نماز جمعه ۲۶ فروردین، رسماً اعلام داشت که "کسی نباید این فکر را بکند که حزب الله (لبنان) بی پناه است. ما با تمام وجودمان از حزب الله حمایت می کنیم". این حمایت آشکار، که به آن جنبه "مبارزه" ضد صهیونیستی داده می شود، حل اختلافها و پایان درگیریهای داخلی در لبنان را با پیچیدگی و دشواری بیش از پیش روبرو می سازد.

ناوشکن جدید آمریکا ...

عمل ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا دایره بر وارد ساختن این ناوشکن به آبهای خلیج فارس مغایرت آشکار با مفاد قطعنامه ۵۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد دارد. در عین حال باید خاطر نشان ساخت که این نخستین پارنیست که ایالات متحده آمریکا خلیج فارس را به میدان آزمایش جنگ افزارهای مدرن خود تبدیل می کند. به باور ما، ورود ناوشکن مدرن آمریکایی با قدرت آتش و ویرانگری عظیم، وخامت اوضاع در منطقه را که در آن تاکنون بیش از ۵۰ کشتی تجاری و نفتکش خسارت دیده اند و بیش از ۲۰۰ تن از کارکنان آنها کشته شده اند، بیش از پیش تشدید خواهد کرد.

بازی، آزادی حفظ مواضع خود در درون حزب و برای باصطلاح دفاع از این مواضع طرح خواست آزادی ایجاد گروه های خودی و سرپیچی از تبعیت از اکثریت حزب. چنین "آزادی" یا "دمکراسی" به معنای خاتمه "حزب"، به معنای ایجاد تشتت آنارشیستی است که بگفته صحیح لنین اگر از آن جلوگیری نشود، قادر است فعالیت حزب را فلج سازد. درست به همین دلیل لنین از نخستین روزهای موجودیت حزب، با فراکسیون بازاها و باندبازان به مثابه دشمنان حزب و وحدت طبقه کارگر درنبرد رهایی بخش مبارزه می کرد. حزب توده ای مانیز با الهام از این اصل لنینی علیه خائنان به منافع طبقه کارگر در درون حزب مبارزه کرد و مقاصد ضد مارکسیستی - لنینیستی و ضد آنترناسیونالیستی پرولتری آنها را فاش ساخت و طبیعی است که در آینده نیز در راه پاکیزگی سازمانی حزب از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

وازدگان سیاسی می کوشیدند انضباط شکنی را با توسل به اصل لنینی توجیه کنند. طبعاً چنین برخوردی هدفی جز عوامفریبی نداشت. لنین علیه انضباط شکنان بشدت مبارزه می کرد و می گفت اگر در سالهای ۱۹۰۲ تا ۱۹۱۷ پلشویسم طرد بی امان منشویکها، سوسیال شونیستها و غیره را در پیش نمی گرفت، در سالهای ۱۹۱۷ - ۱۹۱۹ بر بورژوازی غلبه نمی کرد. در واقع نیز لنین قبل از انقلاب اکتبر علیه انحلال طلبان و منشویکها سرخخانه مبارزه کرد و آنها را از حزب کنار گذارد و پس از انقلاب کبیر اکتبر نیز "کمونیستهای چپ"، "اپوزیسیون کارگری" (آنارشیستهای سدیکیایی)، تروتسکیستها، ایورتونیستها را استکرا و ملی گرایان را بعلت عدم تبعیت از نظر اکثریت و لطمه زدن به وحدت حزب از صفوف حزب کنار گذاشت.

لنین ضمن مخالفت با کسانی که زیر پرچم آزادی محض، تفرقه و تشتت آنارشیستی را تبلیغ می کردند، می گفت، هر کس آزاد است که بدون کوچکترین محدودیتی هر چه می خواهد بنویسد و بگوید، ولی هر سازمان آزاد و مستقل (از جمله حزب) هم آزاد و مختار است اعضای را که از عضویت در حزب برای تبلیغ نظرات ضد حزبی استفاده می کنند، از حزب اخراج کند. بگفته لنین، حزب اتحاد داوطلبانه است ولی اگر خود را از لوث وجود اعضایی که نظرات ضد حزبی را تبلیغ می کنند پاک نکند، حتماً ابتدا از لحاظ مسلکی و سپس از لحاظ مادی متلاشی خواهد شد. برای تعیین مرز میان نظریات حزبی و ضد حزبی، برنامه حزب، قطعنامه های مصوب ارگانهای عالی حزب و اساسنامه حزب وجود دارد.

ما سعی کردیم با استناد به موازین لنینی به سئوالات مطروحه پاسخ گوئیم. "نامه مردم" می کوشد از این پس در حد توان و امکانات به سئوالات خوانندگان در زمینه های تئوریک، سازمانی و سیاسی و غیره پاسخ دهد.



مراعات دمکراسی درون حزبی به داخل حزب مارخنه دهند. آنها اهمیت "مرکزیت" حزب را زیر سؤال می برند. "مرکزیت حزب" که لنین درباره آن می گفت: "منشویکها واقعیت را نفی می کردند و با به تحریف آنها می پرداختند. آنها عوامفریبانه ادعا می کردند که مرکزیت، حزب را به "کارخانه" و اعضای حزب را به "پیچ و مهره" تبدیل می کند. منشویکها عملاً با انضباط حزبی مخالفت می کردند و می خواستند حزب را به عقب، به دورانی باز گردانند که هر سازمان بدلخواه خود عمل می کرد و هیچ ارگان مافوقی را نمی شناخت". لنین خاطر نشان می کرد: "قبلاً حزب ما رسماً یک واحد تام متشکل نبود، بلکه مجموعه ای از گروه های جداگانه بود و به همین دلیل بین این گروه ها راه دیگری جز تاثیر فکری نیز نمی توانست وجود داشته باشد. اکنون ما بصورت یک حزب متشکل در آمده ایم و این نیز به معنای پیدایش حاکمیت و تبدیل سطره اندیشه ها به سطره حاکمیت و تبعیت سازمانهای بائین حزبی از سازمانهای بالاتر است" (تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی - ص ۸۱). در همینجا می خوانیم: "حزب بدون یک مرکز تام الاختیار نمی تواند سازمانی واقعا انقلابی باشد و مبارزه زحمتکشان را رهبری کند".

لنین خاطر نشان می کرد که بدون انضباط، حزب واحد و متمرکز قابل تصور نیست. تشکل و انضباط ارتباط مستقیم دارند. بدون انضباط آهنین، سازمان منسجم پدید نمی آید. معنای انضباط در حزب طبقه کارگر به باور لنین آزادی، بحث و انتقاد و سپس وحدت عمل بود. تمام اعضای حزب پس از آنکه تصمیمی گرفته شد، باید مانند فرد واحد عمل کنند، زیرا تشکل به معنای وحدت عمل است. در این زمینه نوشته "لنین عیناً چنین است: "اصولاً بارها نظر خود را درباره اهمیت انضباط، درباره مفهوم انضباط در حزب کارگری بیان داشته ایم. وحدت عمل، آزادی بحث و انتقاد، چنین است نظر ما در اینباره".

آیا حزب توده ایران در شرایط سخت کار مخفی این اصول لنینی را نادیده گرفته است؟ پاسخ منفی است. در آئین نامه اجرائی مصوب پلنوم دیماه ۶۶ در بخش مربوط به حقوق عضو حزب می خوانیم:

عضو حزب حق دارد "نظرات خود را در هسته و با واحد حزبی (با در نظر گرفتن ساختمان حزب در شرایط کار مخفی در داخل و خارج از کشور) پیرامون سیاست و خط مشی حزب اظهار دارد و با از طریق نوشتن نامه (بشکل انفرادی) و از کانال تشکیلاتی به ارگانهای بالاتر، بمنظور آشکار ساختن نارسائیهای یا برطرف کردن آنها، به انتقاد اصولی و خلاق بپردازد".

بدینسان همه اعضا و هواداران حزب دارای حق انتقاد به مقیاس گسترده هستند. ولی حق انتقاد را باید با انتقاد از خود صادقانه در آمیخت تا زندگی حزبی پربارتر گردد.

بدون شک در حزب کارگری سخن از انتقاد خلاق می رود نه آزادی خودسری آنارشیستی، گروه

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

انقلاب به نرخ روز!

نگامی به نخستین بولتن کنگره "پیروان بیانیه ۱۶ آذر"

انشعاب "پیروان بیانیه ۱۶ آذر" از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در سال ۶۰، تا مدت‌ها در جنبش چپ ایران یک معای سیاسی بشمار می‌آمد. با وجود اینکه انشعاب برای "حل اختلافات سیاسی" در میان پیروان سوسیالیسم در ایران تا آنجا رایج بوده و هست که باید آنرا یکی از بیماریهای شایع جنبش دانست، باز هم دلایل ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی که در آن زمان از سوی این رفقا برای توجیه انشعاب - حتی در حد یک شیوه نادرست تشکیلاتی - ارائه می‌شد به هیچ روقانع کننده نبود.

از نظر تئوریک انشعابپون از نظریه "پیشرفت اجتماعی" در برابر نظریه "راه رشد غیر سرمایه‌داری" بعنوان پایه برنامه حزب طبقه کارگر ایران دفاع می‌کردند. در آن زمان طرفداران نظریه نخست، هم در سطح جنبش جهانی کارگری و هم در سطح ملی، در اقلیت و طرفداران نظریه دوم در اکثریت بودند. اما نه در سطح جهانی و نه در جنبش کمونیستی ایران آزادی بحث و تحقیق ایدئولوژیک در این عرصه به تناسب محدودیت امکانات ناشی از شرایط کار روزمره انقلابی - هرگز چنان محدود نشده بود که انشعاب را توجیه‌پذیر کند.

از نظر سیاسی انشعابپون در گفتار از "استقلال سیاسی حزب طبقه کارگر" سخن می‌راندند. این موضع در کنار نظریات تئوریک پیشگفته نوعی نیمرخ سیاسی "رادیکال" به آنان می‌داد. اما علامت سؤال بزرگ آنجایی در برابر این موضع قرار گرفت که آنان در کردار راست روانه‌ترین شکل سیاست "اتحاد و مبارزه" در برابر مدعیان دفاع از "عدالت اجتماعی" در رهبری جمهوری اسلامی را در پیش گرفتند.

در رابطه با انترناسیونالیسم پرولتری، در حالیکه اکثریت فعالان جنبش چپ ایران، پس از سالها سال پیکاری در گرایشهای گوناگون با شتاب قابل تحسینی به اردوی جهانی رزمندگان راه سوسیالیسم می‌پیوستند و در این راه گردانهای پیشرو جنبش کارگری جهانی همچون احزاب کمونیست ویتنام و کوبا را سرمشق و الگو قرار می‌دادند و در عین حال با صداقت و پیگیری به کاوش در ویژگیهای ملی جنبش توده‌ها می‌پرداختند و شیوه انطباق تئوری مارکسیستی - لنینیستی بر شرایط خاص جامعه را - علیرغم خطاهای موجود در ارزیابی هایشان - شکل می‌دادند، انشعابپون ("پیروان بیانیه ۱۶ آذر") همنا با سختگویان بورژوازی و خرده بورژوازی از سویی و مائوئیست‌ها و افراطیون چپ از سوی دیگر اتهام "وابستگی" و "ناسیونالیسم" را خطاب به ما زمره و در همان حال خود را انترناسیونالیست‌های دوآتشه قلمداد می‌کردند.

در نیمه سال ۶۰ امکان وحدت دوباره جنبش کمونیستی ایران پس از دو دهه تفرقه کمر شکن بطور جدی در دستور کار جنبش قرار گرفته بود. این امکان بزودی در شکل همکاری بسیار نزدیک و تنگاتنگ حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بقصد تامین شرایط اتحاد سازمانی بصورت بزرگترین دستاورد انقلاب بهم - از دیدگاه طبقه کارگر - درآمد. انشعابپون تحت عنوان دفاع از "وحدت اصولی" با حزب توده ایران، اکثریت سازمان را "انحلال طلب" می‌خواندند و با این موضعگیری در گفتار با "چپ" ها که خواهان مرزبندی برنامه‌ای با حزب توده ایران بودند همصدایی می‌کردند، اما در کردار بطور شتابزده‌ای برای آغاز مذاکرات وحدت با حزب، با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رقابت می‌ورزیدند.

از نظر تشکیلاتی "پیروان بیانیه ۱۶ آذر" مدعی بودند، از آنجا که پشتیبانی بیش از ثلث تشکیلات سازمان - و حتی نیمی از آن را - با خود داشته‌اند، حق دارند کنگره سازمان را فرا بخوانند. اما اطلاعات حزب توده ایران از تظاهر علنی تناسب نیروها در سطح کشور حاکی از آن بود که با وجود اینکه برخی چهره‌های ارزشمند جنبش در رهبری و کادرهای انشعاب حضور دارند، ادعای فوق با واقعیت تباين جدی دارد.

وقتی از یک سورشند که انشعابپون اصول پذیرفته شده مارکسیستی - لنینیستی را در جریان انشعاب زیر پا گذاشته‌اند و از سوی دیگر نوسان میان مواضع ایدئولوژیک متضاد و تناقض میان گفتار و کردار رهبری انشعاب بصورت خصلت بارز آن شناسایی گردید، "معامل گشت" در طیف آن روز

نیروهای چپ در ایران، جا برای یک نیروی "مرکز" خالی بود. اقلیتی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که در راس آن برخی به داشتن "شامه‌ای تیز" شهرت داشتند، این جا را برای ایفای نقشی سیاسی - ورای ظرفیت تشکیلاتی خویش - مناسب می‌دید. میدان مانور فاصله میان اکثریت کمونیستهای ایران با رهبری جمهوری اسلامی از یک طرف و با افراطیون چپ از طرف دیگر بود. موضعگیری چپ در گفتار و سیاست چند جانبه راست در کردار به کار آن می‌آمد که آنان هم از هر یک از گردانهای انقلاب بهره‌دلیل و انگیزه‌ای نیرو و پشتیبانی بگیرند، و هم به تناسب تحول مجموعه دورنمای سیاسی، مدار تئوری و سیاست را از یک تا بینهایت درجه به راست یا چپ تغییر بدهند. آنچه در این محاسبه نقشی نداشت و نمی‌توانست داشته باشد.

اصولیت مارکسیست - لنینیستی و منافع دراز مدت جنبش بود. "مرکز" پدید آمده در طیف نیروهای چپ ایران نه از نظر پایه طبقاتی، نه از نظر ترکیب ناهمگون تشکیلاتی و نه از نظر شکل و شیوه مبارزه سیاسی تفاوت اساسی با اشکال گوناگون "مرکز" در تاریخ جنبش کارگری جهانی نداشت. تحولات بعدی صحت ارزیابی حزب توده ایران را تأیید کرد. رویکردانی قطعی و خیانت رهبران جمهوری اسلامی به آماجهای انقلاب با ضربه سنگین تشکیلاتی به حزب و بیورش ایدئولوژیک - روانی از راست و "چپ" به اکثریت کمونیست‌های ایران همراه شد. در پی آن بود که "پیروان بیانیه ۱۶ آذر" با شتابی نمونه‌وار طی "انتقاد از خود" دنباله‌داری که بیشتر به "توبه نامه نویسی" سیاسی تحت فشار "چپ" شباهت داشت سرعت تحلیل پیشین خویش از جمله از ماهیت آن جنبش توده‌ای که خمینی در راس آن قرار گرفته بود را پس گرفتند و بر حرارت تر از چپ‌روها به تکلیف حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پرداختند.

در طرح برنامه‌ای که بدنبال این تحولات ارائه شد، تجدید نظر در مبانی سیاسی - تئوریک تا حد انطباق اهداف برنامه‌ای انشعابپون با اهداف "سازمان کارگر انقلابی" (راه کارگر) شکل گرفت و از آن پس انشعابپون با همان شیوه‌ای که پیش از این خواهان وحدت با حزب توده ایران بودند، بنای تشکیل حزب واحد طبقه کارگر را بر وحدت با "راه کارگر" گذاردند.

انتشار نخستین شماره بولتن مباحثات تدارک کنگره "سازمان فدائیان خلق ایران" این فرصت را فراهم آورده است که سیر و دورنمای تحولات ایدئولوژیک و سیاسی در میان رهبران آن را در مقطع کنونی بررسی کنیم.

شعار استراتژیک مرحله کنونی انقلاب ایران

"پیروان بیانیه ۱۶ آذر" استقرار جمهوری دموکراتیک خلق را هدف استراتژیک مرحله کنونی انقلاب ایران قرار داده‌اند. نویسندگان بولتن صحت این شعار را مورد بحث قرار نمی‌دهند و آن را جا افتاده و تردیدناپذیر قلمداد می‌کنند. همین جا باید خاطر نشان سازیم که حزب توده ایران مبارزه در راه تامین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ایران را وظیفه روزمره خویش می‌داند. برنامه حزب ما که انقلاب ایران را در مرحله ملی - دموکراتیک ارزیابی می‌کند، امکان استقرار جمهوری دموکراتیک خلق را (که هر گونه بررسی جدی، واقع بینانه و مسئولانه تناسب قوای میان نیروهای انگیزنده و رهبری کننده انقلاب آن را در آینده نزدیک بعید نشان می‌دهد) از نظر دور نمی‌دارد. شعار استراتژیک جامع و فراگیر ما (استقرار حاکمیت دموکراتیک انقلابی) در عین حال از یک سو امکان کاملاً واقع بینانه پیروزی انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران در شرایط سلطه نیروهای انقلابی غیر پرولتری در جبهه خلق را منعکس می‌کند و از سوی دیگر بیانگر تعهد ما نسبت به مبارزه در راه تعمیق انقلاب و تامین سرکردگی طبقه کارگر در هر شرایط ممکن از تناسب قواست. هدف استراتژیک برنامه حزب توده ایران منکی به مواضع آزموده مارکسیست - لنینیستی است. اما "پیروان بیانیه ۱۶ آذر" مانند دیگر مدافعان شعار استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، تاکنون در اثبات صحت نظر خویش جز استدلال‌های کلاسیک چپگرایی خرده بورژوازی چیزی به جنبش ارائه نکرده‌اند. به نظر ما تضاد ناهمساز این شعار استراتژیک با واقعیات تلخ و سرخست جنبش توده‌ای در ایران سرچشمه بحران ایدئولوژیک است که رهبران این سازمان را به مباحثه علنی برای حل تناقضات و اختلاف نظرها واداشته است. طفره رفتن از رویارویی با این حقیقت کمکی به حل اصولی هیچیک از گره‌های نظری نخواهد کرد.

به مامی نویسند

در انبوه زباله‌ها چه می‌جویند؟

گذر شبانه در میدان "امام حسین" و خیابانهای فرعی اطراف آن، از قبیل خیابان شهرستانی، واقعیت دردناکی را بر ملا می‌سازد. از ساعت ۱/۵ شب به بعد دهها نفر در میان انبوه زباله‌ها در جستجوی میوه، گندیده و سبزی هستند،

تا شاید پاسخگوی فرزندان گرسنه خود باشند. به این می‌گویند "عدالت اسلامی".

هزاران پرسنل شهربانی برکنار می‌شوند

روند محدود شدن دایره اختیارات شهربانی کل کشور و کلانتری‌ها و گسترش اختیارات کمیته‌ها، به باز خرید و یا بازنشسته شدن بالغ بر ده هزار پرسنل شهربانی می‌شود. هر روز گروهی از پرسنل شهربانی به اداره بازنشستگی نیروهای انتظامی

مراجعه می‌کنند تا بازنشست و یا باز خرید شوند. طبق برنامه دولت، قرار است شهربانی در سطح یک اداره "در بالا" باقی بماند و تمام واحدهای تابع آن، بطور زمان بندی شده، در کمیته‌ها مستحیل شوند. در این چارچوب، اخیرا بجای دانشگاه پلیس، دانشکده قضائی "کمیته‌های انقلاب اسلامی" آغاز بکار کرده است و نیز یکی از اعضا کمیته‌ها به سرپرستی اداره کل آگاهی شهربانی منصوب شده است.

پیرامون مسائل جبهه

طرح برنامه "پیروان بیانیه ۱۶ آذر" در عین حال بیانگر آن است که انقلاب ایران در مرحله نخست استراتژیک محتوای ضد امپریالیستی و دمکراتیک دارد (۱). این احتمال نیز مسلم شده می‌شود که در مرحله نخست پیروزی انقلاب، دولتی غیر کارگری از نوع "حاکمیت‌های مترقی غیر پرولتری" قدرت را در اختیار داشته باشد. در این صورت کمونیست‌ها می‌بایست "جوانب ترقیخواهانه" اقدامات اینگونه دولت‌ها را در نظر داشته باشند. در عین حال در طرح برنامه پذیرفته می‌شود که کمونیست‌ها حق ندارند "پذیرش رهبری طبقه کارگر را شرط همکاری با دیگر نیروهای مترقی قرار" دهند. این امر "در عمل به کناره‌جویی از مبارزه انقلابی توده‌ها و جدایی از واقعیت منجر می‌شود" (۲).

روش است که تزه‌های فوق که از نظام نظری مارکسیسم-لنینیسم بدرستی به وام گرفته شده‌اند با طراز بندی استراتژیک طرح برنامه در تضاد قرار دارند. طرح شعار "جمهوری دمکراتیک خلق" در شرایطی که کمونیست‌ها در جنبش توده‌ای در اقلیت قرار دارند به معنای آنست که پیشاپیش به متحدان پرولتاریا اعلام کنیم که آنان حتی اگر در راس یک دولت "ترقیخواه غیر پرولتری" قرار بگیرند قادر به اجرای وظایف ضد امپریالیستی و دمکراتیک جنبش نیستند و باید هر چه زودتر جای خود را به کمونیست‌ها بدهند. براساسی کدام ساده لوحی گمان می‌برد که این شیوه "برخورد نوعی پیش شرطگذاری" در همکاری با نیروهای مترقی "نیست؟ شیوه لنینی آنست که شعار استراتژیک "برنامه" حداقل پرولتاریا" طوری تدوین شود که "دمکراسی انقلابی" از آن جز این نتواند استنباط کند که هدف کمونیست‌ها در مرحله "دمکراتیک انقلاب" اجرای "برنامه" حداقل "طبقه کارگر است که در عین حال بهترین بیانگر منافع زحمتکش و اقشار میانه نیز هست و ناهنگامی که - و تا آنجا که - دمکراتها در راه اجرای این برنامه پیش می‌روند از حمایت کمونیست‌ها نیز برخوردار خواهند بود. مناسبات دمکراتیک در این معاهده "دو جانبه حکم می‌کند که کمونیست‌ها در تبلیغ برنامه حداقل و آرمانهای استراتژیک خویش آزادی تام داشته باشند و در صورت پشتیبانی خلق و کسب قدرت، متقابلا از پشتیبانی هر نیروی دمکراتیک و انقلابی دیگری برخوردار شوند.

تنظیم کنندگان طرح برنامه، که شعار استراتژیک را برای هماهنگی با جبهه‌ها قرار پیشگفته تعیین کرده‌اند، آنگاه که از برج عاج فرود می‌آیند و به تنظیم "برنامه‌ای تاکتیکی" برای اتحاد خلق می‌پردازند با دو گرایش متضاد روبرو می‌شوند که در یک دوجین تناقض نظری و عملی انعکاس می‌یابد. بیهوده نیست که از شش مقاله "بولتن پنج مقاله به" مسائل تئوری و پراتیک جبهه" اختصاص یافته است. گرایش نخست هوادار تشکیل یک ائتلاف وسیع طبقاتی در راه سرنگونی جمهوری اسلامی است که به این یا آن شکل بخشی از بورژوازی لیبرال را هم در بر می‌گیرد و اجرای وظایف دمکراتیک و ضد امپریالیستی را آماج قرار می‌دهد. این گرایش در عمل شعار استراتژیک سازمان را به موضوعی درجه چندم تبدیل می‌کند (۲). گرایش دوم خواستار تشکیل جبهه‌ای است که مهر شعار استراتژیک و "برنامه و رهبری" نیروهای پرولتری را با خود داشته باشد و همچون "الترناتیو قدرت سیاسی-انقلابی" عمل کند (۴). طیفی از نظریات التقاطی و میانه نیز در میان این دو گرایش سرگردانند. سؤالی که در کشاکش تضاد میان شعار استراتژیک و محتوای واقعی برنامه سازمان از یک سو و واقعیات توهم شکن جنبش از سوی دیگری پاسخ می‌ماند آنست که بالاخره:

"به چه طریقی می‌توان از یک جبهه با هم‌مونی اقشار غیر پرولتری به یک جبهه با هم‌مونی طبقه کارگر رسید؟ (۵).

"اتحاد چپ" در راه تشکیل حزب واحد طبقه کارگر

"پیروان بیانیه ۱۶ آذر" بر آنند گویا اتحاد آنان با "راه کارگر" و

گروه "آزادی کار" و برخی محافل باقیمانده از اقلیت می‌تواند و باید نیروی مرکزی و راهبر اتحاد دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق و در عین حال داربست حزب واحد طبقه کارگر ایران باشد. در این میان گویا حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌بایست تسلیم نظریات افراطیون چپ شوند و گر نه به انزوای سیاسی محکوم خواهند بود. این تنها نظریه‌ای که همه نویسندگان بولتن در آن متفق القولند در آن واحد مضحک و تاذ آور است. مضحک از آن رو که برای اولین بار در تاریخ نیرویی سیاسی که در اقلیت مطلق است درصد مغزوی کردن اکثریت بر می‌آید و تاسف انگیز از آن رو که در شرایطی که جنبش به خون تپیده، خلق به اتحاد عمل و همکاری همه نیروهای "چپ" نیاز مبرم و حیاتی دارد، خود پرستی فرقه گرایانه بخشی از این نیروها را و می‌دارد که بجای آنکه دشمن رانشانه بگیرند بسوی برادران طبقاتی خویش شلیک کنند. به کارنامه تبلیغ و ترویج سیاسی "پیروان بیانیه ۱۶ آذر" در سالهای اخیر در رابطه با حزب مائوگرید: کارزار بهتان و افترا بی که از جمله بوسيله بزرگنامی اشتباهات، هدف آلودن مجموعه تاریخ پرافتخار حزب توده ایران را دنبال می‌کند. بایکوت تبلیغاتی شهدای توده‌ای و توطئه سکوت در برابر رزم قهرمانی زندانیان توده‌ای، چشم بستن بر تلاش صادقانه و پویای حزب در بازبینی انتقادی تجربه‌اش در مرحله استقرار جمهوری اسلامی... و سرانجام فراموش کردن این حقیقت که حزب توده ایران ناپودشده و انزوا پذیر نیست.

مندرجات نخستین بولتن مباحثات کنکره "پیروان بیانیه ۱۶ آذر" - چنانکه دیگر نشریات آنان - بار دیگر صحت ارزیابی ما در مورد این سازمان را به مثابه نیروی سیاسی ای که آگاهانه قصد ایفای نقش "مرکز" در جنبش چپ ایران را دارد، و از این رو به ناکزیر از برابر تناقض‌های تئوریک و سیاسی ناشی از اتحاد این موضع می‌گریزد و به ناچار مشی سیاسی متناقض و ناهمگونی در پیش گرفته است تأیید می‌کند. تحولی که در سالهای اخیر اتفاق افتاده است آنست که شکست جنبش توده‌ای و ضربه تشکیلاتی سنگینی که بر نیروهای چپ وارد آمده است، نوعی چیکرایی و اکنشی در میان برخی فعالان جنبش پدید آورده است که با اصولیت مارکسیست-لنینیستی که پیگیرانه در راه اصلاح اشتباهات و گردآوری و تمرکز نیرو برای تعرضی متقابل می‌رزم رقابت می‌کند. تغییر مطنه بازار سیاست "پیروان بیانیه ۱۶ آذر" را بر آن داشته است که محور طراز بندی‌های استراتژیک - تاکتیکی خویش را حتی المقدور به چپ متمایل کنند. بیگمان حتی اگر این چرخش چند صباحی رونق نسبی در پی داشته باشد، فردا که جنبش توده‌ای دوباره راهیمیایی‌های میلیونی در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را آغاز کرد و حقانیت استواری خرابی در پیگیری مشی اتکاب توده‌هایک بار دیگر از آزمون تاریخ سر بلند بیرون آمد، از این همه جنجال چیزی جز تاسفی تلخ باقی نخواهد ماند.

تاریخ جنبش کارگری جهانی هیچ نمونه‌ای از نیروهای "مرکز" سراع ندارد که سرنوشتی جز تلاشی و جذب در قطب‌های متقابل در انتظارشان بوده باشد. صمیمانه امیدواریم که سازمان "پیروان بیانیه ۱۶ آذر" از تاریخ صادقانه بیاموزد و پیش از فرارسیدن پایان به ایفای نقشی مثبت تر در جنبش انقلابی بپردازد.

*

*

*

۱- طرح برنامه سازمان فدائیان خلق ایران، ص ۲۸

۲- همانجا، ص ۲۰

۳- نگاه کنید به مقاله "علی کشتگر: بولتن مباحثات، کنکره، ص ۱۰-۷

۴- نگاه کنید به مقاله "حمید امیری، همانجا، ص ۲۲-۲۰

۵- بولتن مباحثات کنکره، ص ۲۸



معدنکاران: تندیسهای ***

مینی بر ادامه جنگ خانمانسوز ایران و عراق سخن می گوید که با سیاستگرانیهای ضد کارگریش، دشوارترین و سیاه ترین شرایط کار و زندگی را برای این لایه از کارگران زحمتکش بوجود آورده است. معدنکاران، بعنوان تندیسهای بی مثال رنج و محرومیت طبقه کارگر ایران، از نظر محرومیت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در وضعیت بی مراتب و از جهاتی غیر قابل مقایسه، دشوارتر و اسفناک تر از دیگر لایه های طبقه کارگر روزگار می گذرانند.

با گذشت نزدیک به ده سال از پیروزی انقلاب بهمین، در نتیجه خیانت سران مرتجع ج.ا. به آماجهای انقلاب، هنوز قانون کاری در کشور تدوین و تصویب نشده است. معدنکاران با کارگران ساده از نظر حقوق و مزایا یکسان تلقی می گردند. رژیم همان حقوق و مزایای ناچیزی را که برای کارگران ساده قائل است (همانند پایه حقوق ناچیز، ۱۲ روز مرخصی سالانه و ۲۰ سال سابقه کار و پرداخت حق بیمه برای بازنشستگی) برای کارگران معدن نیز بدون توجه به شاقی شرایط کارشان قائل است.

کارگران معدن با مشکلات گوناگونی دست و پنجه نرم می کنند. شرایط بهره کشی از معدنکاران بر استی غیر انسانی است. آنها علیرغم کار کم شکن و طاقت سوز و در موارد بسیار، سالیان دراز سابقه کار، دستمزد بسیار پائینی، آنهم اغلب با چند ماه تاخیر در پرداخت آن، دریافت می کنند. یکی از کارگران معدن فاریاب کهنوج می گوید:

"۱۸ سال است که در معادن فاریاب به کار مشغولم و روزی ۱۰۰ تومان مزد می گیرم".

کارگر دیگری نیز می گوید:

"۱۰ سال سابقه کار دارم و روزی ۱۰۷ تومان مزد می گیرم. مشکل بزرگ ما فعلا عدم پرداخت بموقع حقوق است" (اطلاعات ۶۵/۱/۲۵).

نبود و کمبود وسایل و تجهیزات ایمنی هر روز در معادن فجایع نازهای می آفرینند و زندگی انسانهایی را به تباهی می کشاند. در تونلهای معادن که کارگران بر آنها نام "تونلهای مرگ" گذارده اند، کم نیستند زحمتکشانی که در نتیجه سانحه زبر خوراها سنگ زنده بگورمی شوند یا علیل و بیمار و زمینگیر می گردند. بهتر آنست که واقعیت های تلخی را از زبان خود معدنکاران بشنویم:

"هر لحظه این کار (کار معدن) خطر آسب- پذیری دارد... وقتی آنها در زیر خوراها سنگ مشغول کنند هستند ممکن است حرکت های ناشی از انجام عملیات به قسمتهای فوقانی منتقل شده و ریزش نماید و کارگر وقتی متوجه موضوع می شود که سانحه اتفاق افتاده است" (ج.ا. ۶۵/۶/۴۰۱).

"۵ نفر کارگر این شیفت ۲ نفرشان تاکنون دچار سانحه گردیده اند..." (همانجا)

"۸۰ درصد کارگران قدیمی این معدن (کیاسر) دچار انواع عوارض جسمانی نظیر ناراحتی های دیسک، آرتروز، ناراحتی های ریوی، عصبی، استخوانی، رماتیسم جلدی و غیره هستند" (اطلاعات ۶۴/۷/۸).

- " (حتی) یکی از تکنسین های معدن هنگام صرف کردن، خون بالا می آورد... " (کیهان ۶۶/۱/۲۹).

کارگران سانحه دیده و بیمار که دیگر نمی توانند به داخل تونل بروند، بیدرتنگ با چهره عبوس و غیر انسانی قوانین کار جمهوری اسلامی، در این زمینه یعنی قطع مزایای کار در درون تونل، روبرو می شوند. گویی آنها در حین کار دچار سانحه نشده اند یا در نتیجه سستی کاربیمار نگردیده اند. کارگری می گوید: "اگر کسی در معدن مصدوم شد حقوق ۲ روز اول او را قطع و از بقیه حقوق او ۲۵ درصد کم می کنند و مزایا هم قطع می شود". و کارگر دیگری می گوید: "حقوق من قبلا ۴۸۰۰ تومان بود که بعدا دچار سستی استخوان شدم و مزایایم کم شد و حقوقم به ۲۸۰۰ تومان رسید" (ج.ا. ۶۵/۶/۴).

کارگرانی که جز فروش نیروی کار، وسیله ای برای گذران زندگی رنجبار خود ندارند، گاه برای پر کردن شکم زن و فرزندشان ناگزیرند با تن علیل دگر بار راهی "تونلهای مرگ" شوند. کارگری در گفتگو با روزنامه جمهوری اسلامی می گوید: "مدتی است که در برخورد با لوکوموتور داخل تونل صدمه دیدم و وقتی به بیرون از اینجا منتقل شدم، بعلت قطع مزایای تونل، که در ماه حداکثر مبلغ ۱۲۰۰ تومان بیشتر نمی شود، نتوانستم زندگی خانواده ام را تامین نمایم و به اصرار خود دوباره به اینجا برگشتم".

وضعیت استخدام و بازنشستگی، یکی از مسائل و مشکلات معدنکاران است. در بیشتر معادن، اکثر کارگران "پیمانی" هستند و آنها بعد از سالیان دراز کار فرسوده و از کار افتاده می شوند، بی آنکه از حقوق بازنشستگی برخوردار گردند. کارگرانی هم که استخدام رسمی هستند و بیش از بیست سال بخشی از دستمزد ناچیزشان بخاطر حق بیمه کسر گردیده است، با کارشکنی "تامین اجتماعی" روبرو می شوند. برای نمونه می توان از جمله به سخنان سرپرست کارگاه معادن فاریاب در گفتگو با "اطلاعات" استناد کرد. او می گوید که "در وضع حاضر بیش از ۲۵ نفر از کارگران شرکت بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند و بار شاق بودن کار معدن فرسوده شده اند. کمیسیون پزشکی نیز از کار افتادگی کارگران را تأیید کرده است... ولی "متاسفانه تا کنون" به درخواست بازنشستگی این کارگران "از سوی سازمان تامین اجتماعی... پاسخی داده نشده است" (اطلاعات ۶۵/۱/۶).

اعزام اجباری کارگران به جبهه ها و کسر درصدهای حقوق و دستمزد ناچیزشان نیز از دیگر مسائل معدنکاران است. جنگ زبانه های جبران ناپذیر جانی و مالی برای معدنکاران بیار آورده است. برای دریافت ابعاد وسیع این زبانه های کافیسیت به آماری که مسئول روابط عمومی شرکت دغال سنگ البرز شرقی نقل می کند، اشاره کنیم. او در گفتگو با خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی (۶۵/۶/۸) از جمله می گوید که تنها از معدن ترزه تا خرداد ماه ۶۵، ۲۹ کارگر جان خود را در جبهه ها از دست داده اند و ۱۲ نفر مفقود الاثر شده اند، همچنین از طریق کسر یک روز حقوق ماهیانه معدنکاران "تا پایان سال ۶۴ بالغ بر ۸۲۴ و ۵۵۹ و ۲۵۲ ریال" و علاوه بر این، مبلغ

برخورد همسایگان افغانستان با توافقهای ژنو

نجیب الله، رئیس جمهور افغانستان، اخیرا در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و از جمله پیرامون سیاست خارجی افغانستان و برخورد کشورهای همسایه افغانستان با توافقهای ژنو سخن گفت. او ضمن ستایش مناسبات ویژه با هند گفت:

"هند بعنوان یکی از دولتهای بنیانگذار جنبش غیر متعهدها و کشور بزرگ منطقه می تواند نقش فعال و تمربخشی در روند اجرای موافقت نامه (ژنو) و گسترش همکاری منطقه ای ایفا نماید.

پاکستان و افغانستان در تاریخ و فرهنگ و مذهب دارای زمینه های مشترک هستند. هر دو کشور در جنبش غیر متعهدها شرکت دارند و سرانجام کشورهای ما همسایه هستند و ما خواهان مناسبات دوستانه و حسن همجواری با پاکستان هستیم. ما آماده ایم که با پاکستان پیرامون مسائل مربوط به مناسبات متقابل بین دو کشور گفتگو کنیم.

ما خواهان برقراری مناسبات دوستانه و حسن همجواری با ایران، همانند همه دیگر دولتها هستیم. اما متاسفانه تا کنون محافل رسمی ایران نه تنها از موافقت نامه هایی که در ژنو به امضا رسیده پشتیبانی نکرده اند، بلکه متوسل به صدور یک سری بیانه های تحریک آمیز نیز شده اند.

در کشور ما از برخورد جمهوری خلق چین به روند صلح آمیز ژنو ارزیابی مثبت شده است. اما جمهوری خلق چین می تواند نقش فعالتری را در سامان بخشی سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان ایفا نماید."

۹۵۴۴۶۰ ریال نیز کمکهای نقدی جمع آوری و جهت کمک به جبهه ارسال شده است.

افزون بر اینها، ساعات زیاد کار، کمیت و کیفیت نامطلوب غذا، وضع فاجعه بار بهداشت و درمان، نبود خوابگاه و عدم برخورداری از مسکن مناسب و ناگزیری زندگی در کپرها و دخمه های تنگ و تاریک و نمره، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، نبود سرویس برای رفت و برگشت کارگران و... از جمله مسائل و دشواریهای دیگری است که کارگران معدن با آنها روبرو می هستند.

در عین حال، معدنکاران که جسم و جانشان با سوهان بهره کشی غیر انسانی سوده می شود، از هر گونه امکان تشکل صنفی مستقل و واقعی برای رهبری مبارزه اقتصادی خود در زیر تیغ رژیم دیکتاتوری حاکم محروم هستند و هر تلاش آنها در این راستا با سرکوب خشن و خونین پاسخ داده می شود.

بدینسان با توجه به وضع دشوار کار و زندگی معدنکاران که رژیم مسبب آنست، هر روشی می توان به ماهیت فریبکارانه "بزرگداشت مقام معدنکار" در جمهوری اسلامی پی برد.

طبقه کارگر متحد همه چیزه
طبقه کارگر متشرف همه چیزه!

کنفرانس سران در مسکو ***

نخستین بار به اتحاد شوروی آمده‌اید، در سخنرانی‌های خود بارها درباره کشور ما سخن گفته‌اید. از آنجا که می‌دانیم به ضرب المثل‌های روسی علاقه دارید، میل دارم گنجینه دانش شما را در این زمینه با یک ضرب المثل دیگر گسترش بدهم: بهتر آنکه یک بار ببینی، تا صد بار بشنوی!

به شما قول می‌دهم، که در اینجا با مهمان دوستی، صمیمیت و حسن‌نیت روبرو خواهید شد. بسیاری از شهروندان ما را خواهید دید. آنها از تاریخی چند صد ساله برخوردارند، میهن خود را دوست دارند و به دستاوردهای خود می‌بالند. مردم ما از آنچه سد راه پیشرفتشان است ناخشنودند، در بحثی توفانی برای پیشرفت میهن خود شرکت دارند و چه نقشه‌هایی، که برای آینده در سر می‌پرورند.

رونالد ریگان در پاسخ خود گفت، که علیرغم بسیاری اختلافات، پیشرفت‌های چشمگیری در گستره‌های مختلف و از جمله "درگیری‌های منطقه‌ای، تقلیل سلاح و مناسبات دوجانبه" حاصل شده است.

وی افزود: "آزروز در ژنو سرد بود و در ریکیویک از آن هم سردتر... اکنون چیزی به تابستان نمانده است و بذری که در آن هنگام کاشتیم، هسته آهسته میوه می‌آورد...".

ریگان ادامه داد: "آقای دبیرکل، در گذشته به علاقه من به ضرب المثل‌های روسی توجه کردید، برای آنکه در این سفر هم کسی را در این زمینه مایوس نکرده باشم، با ضرب المثلی دیگر نمونه‌ای از خرد مردمتان را نشان می‌دهم. مطابق این ضرب المثل: عجله کار شیطان است!

آقای دبیرکل مادچار شتاب زدگی نشدید. کام به کام پیش رفتیم. من اینجا آمده‌ام، تا این کار را ادامه دهم. هر دو می‌دانیم، که کار ساده‌ای نخواهد بود و موانع بسیاری را باید از سر راه برداریم. اما هر دو نیز می‌دانیم، که این کاری است ممکن، زیرا که هدف ما یکی است: گسترش چارچوب مناسبات پایدار، پسود مردمان و همه جهانیان."

میخائیل گارباچف در شب دوم اقامت ریگان در مسکو، در ضیافتی رسمی به افتخار رئیس جمهور آمریکا، و همسرش، در سخنرانی خود اظهار داشت، که پرچیدن سلاح‌های هسته‌ای در سراسر جهان تا پایان قرن به اندیشه بنیادی سده بیستم بدل شده است. دوطرف، برپایه واقع بینی، به این نتیجه رسیده‌اند، که پس از جنگ هسته‌ای پرنده‌ای باقی نخواهد ماند و باید از چنین جنگی دوری جست. "درست در اینجا (کرملین) می‌خواهیم بر این واقعیت آشکار تاکید ورزیم، که دیگر ممکن نیست اختلافات میان کشورها را از زاویه دست‌یازی به سلاح حل کنیم. این درستی است، که از واقعیت جهان امروز گرفته‌ایم. من واژه واقع بینی را خیلی دوست دارم، بویژه آنکه - آقای رئیس جمهور - این واژه در دوران اخیر

هر چه بیشتر از زبان شما شنیده می‌شود... باید بیافزایم، که اکنون برخورد واقع بینانه در همه راستاها و در همه قاره‌ها به چشم می‌خورد. اندیشه چاره‌جویی برای مسائل دوران ما هر چه بیشتر محبوبیت می‌یابد. نیروهای سیاسی و اجتماعی مختلف بگونه‌ای فزاینده در راه گفتگو، تبادل نظر، شناخت بیشتر طرف‌متقابل و تفاهم با او کام برمی‌دارند."

رفیق گارباچف آنگاه گفت: "آقای رئیس جمهور! این سخنان شما را بیاد می‌آورم، که "تنها شیوه چیرگی بر اختلافات آنست که نخست معنای آنها را درک کنیم". این اندیشه درست است. تنها میل دارم بیافزایم، که چیرگی بر اختلافات مشروطه غلبه بر ناهمانندی‌ها نیست. تنوع جهان سرچشمه لایزال غنی‌سازی معنوی و مادی است". رفیق گارباچف گفت:

"ما از همه وقت بیشتر به حسن انتخاب راه سوسیالیسم ایمان داریم و پیشرفت کشورمان در چارچوبی به‌جز سوسیالیسم برایمان تصور ناپذیر است. برنامه ما عهارتست از: دموکراسی بیشتر، علنیت بیشتر و عدالت اجتماعی بیشتر، در شرایط تامین کامل نیازمندی‌ها و خلاقیت معنوی گسترده.

هدف ما آزادی هر چه بیشتر برای انسان، شخصیت او و جامعه است. ازدید بین‌المللی، ما خود را بخشی از تمدن واحد می‌دانیم، که در آن تک تک افراد از حق‌گزینش اجتماعی-سیاسی و موقعیتی شایسته و برابر حقوق در جامعه ملت‌ها برخوردار باشند."

رهبر شوروی ادامه داد: "ما خواستار آنیم، که روابط میان انسان‌ها را در همه اشکال خود گسترش دهیم، هر چه بیشتر و بهتر به تبادل نظر پردازیم و مناسبات خود را در زمینه علم، فرهنگ، آموزش، ورزش و دیگر گستره‌های فعالیت انسانی توسعه بخشیم - اما بدون مداخله از خارج، بدون اندرزدی، بدون تحمیل نظام خود بر دیگران و بدون بهره‌برداری از مسائل خانوادگی و شخصی برای رویارویی میان دولت‌ها."

رونالد ریگان در پاسخ خود گفت، که ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال‌های گذشته نخستین گام‌ها را در جهت کاهش پس‌زای جنگ افزارهای ناپودی جمعی برداشته‌اند. جهانیان همچنین شاهد گام‌های نخستین در راستای غلبه بر عدم اعتماد و ایجاد تفاهم بیشتر میان دو کشور بوده‌اند.

"داشتن نظرات گوناگون امری است ساده. دشوارتر از همه این است که در جستجوی زمینه‌های توافق باشیم. برای ما و دولت‌های ما چنین جستجویی عادی شده است. و آنچه یافته‌ایم، بیش از حد انتظارمان بوده است. قصد من این است که در باقی دوران ریاست جمهوری خود همچنان در پی یافتن مواضع مشترک باشم و هنگامیکه این مقام را به جانشین خود می‌سپرم، به او توصیه خواهم کرد که به این جستجو ادامه دهد. به او خواهم گفت که می‌ارزد این

جستجو را پی بگیرد و دلیل آن نیز موفقیت‌های ما در چند سال اخیر است." روز سه شنبه ۲۱ ژوئن رونالد ریگان، میخائیل گارباچف و دیگر میزبانان خود را به ضیافتی در مقر اقامت خود در مسکو دعوت کرد. در این ضیافت نیز رهبران اتحاد شوروی و ایالات متحده به سخنرانی پرداختند.

ریگان در خوش آمد خود خطاب به گارباچف گفت:

"ما می‌دانیم، که در زمینه مسائل پس مهم میان ما همچنان اختلافات عینی باقی خواهد ماند. من و شما تاکنون چهار بار یکدیگر را دیده‌ایم یعنی بیشتر از دیگر روسای جمهور و دبیران کل. گرچه بحث‌های ما گاهگاهی تند و متضاد بوده، با این همه هر درک متقابل ما از کشور دیگری افزوده شد. در برخی مسائل سیاست به پیشرفت‌هایی رسیدیم، حتی در بسیاری موارد به پیشرفت‌های تاریخی. ولی شاید مهم‌تر از همه این باشد، که مردم کشورهاییمان را به ادامه همکاری موافق ساختیم."

رفیق گارباچف در بخشی از سخنان خود گفت: "مانه هرانی داریم و نه پیشداوری. ارتباط برای ما امری است مطبوع.

من دورانی را می‌بینم، که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحده آمریکا مناسبات خود را نه برپایه ارباب و تکامل‌توان نظامی، بلکه بر شالوده خلع سلاح، تعادل منافع و همکاری همه‌جانبه بنا سازند."

میخائیل گارباچف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، و رونالد ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، در روز چهارشنبه ۲۱ ژوئن به مبادله تصویب‌نامه‌های قرارداد واشنگتن درباره ناپودی موشک‌های میان‌برد و کوتاه‌برد پرداختند.

پدین ترتیب، پس از مبادله تصویب‌نامه‌ها، دوران جدیدی، یعنی دوران خلع سلاح هسته‌ای، آغاز و کام نخستین پسوی جهانی بری از جنگ افزارهای هسته‌ای و عاری از اعمال زور برداشته می‌شود. کاهش سلاح‌های استراتژیک تهاجمی لازم و ممکن است. اکنون برای نخستین بار گروهی از موشک‌های هسته‌ای دو کشور ناپود و نظارت اکید بر روند خلع سلاح اعمال خواهد شد. هنوز مسائل زیادی در دستور مذاکرات دو کشور اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا باقی مانده است که اهمیت جهانی دارد و باید بدانها پرداخته شود. کار روی قرارداد سلاح‌های هسته‌ای، که در مسکو، در تکمیل آن موفقیت‌هایی حاصل شد، قرار است که در ماه‌های آینده به انجام برسد.

همبستگی جوانان کمونیست ***

جکسلواکی، کوبا، هلند، سوئد، شیلی، فلسطین، فنلاند، لبنان، نامیبیا، و "فدراسیون جهانی جوانان دمکرات" ملاقات کرد و آنها را در جریان آخرین تحولات ایران و مبارزات مردم میهن مآقرار داد. از طرف رهبری "سازمان جوانان توده" ایران "بیامی به سی و هفتمین کنفره ارسال گردید، که مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

تظاهرات نیروهای مترقی به مناسبت روز زندانیان سیاسی

به مناسبت روز بیست و یکم اردیبهشت ماه، روز اعدام قهرمان ملی ایران - رفیق خسرو روزبه - روز زندانیان سیاسی، نیروهای مترقی در بریتانیا بخاطر همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در لندن اقدام به یک راهپیمایی کردند.

اعلام کرد. سخنران بعدی الف لوماس، از اعضای رهبری حزب کارگر در پارلمان اروپا بود که ضمن سخنرانی پرشوری همبستگی همه نیروهای مترقی در بریتانیا را با زندانیان سیاسی قهرمان ایران اعلام داشت. سپس تظاهر کنندگان با شعارهای: "صلح،



در این راهپیمایی که از طرف "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" سازمان داده شده بود اعضا و هواداران حزب توده ایران، فدائیان خلق ایران (اکثریت)، و نیروهای مترقی کرد، عراقی، ترکیه، فلسطین و بریتانیا شرکت داشتند. در آغاز راهپیمایی، پل جونز، نایب رئیس سازمان کارزار برای خلع سلاح اتمی در بریتانیا (CND) طی سخنرانی خود، ضمن محکوم کردن جنگ ایران و عراق همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و عراق در راه صلح و آزادی زندانیان سیاسی ایران

صلح، آزادی، مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "ما صلح می‌خواهیم"، "مرگ بر رژیم جنگ طلب خمینی" از خیابانهای اصلی شهر گذشتند. اعلامیه‌های کمیته دفاع در افشای جنایات رژیم در میان مردم شهر وسیعاً پخش گردید. گروهی از هموطنان ایرانی که در پیاده‌روها به تماشای تظاهرات ایستاده بودند به هنگام فریاد شعار "مرگ بر خمینی" با بلند کردن مشت‌های خود و تکرار شعارها، همبستگی‌شان را با تظاهر کنندگان اعلام داشتند.

کارزار نجات جان زندانیان سیاسی

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام کرد که مسئله صدور احکام اعدام مفتاد تن از زندانیان سیاسی ایران، توسط نماینده ویژه این کمیسیون در دست بررسی است. این نماینده از سال ۱۹۸۴ منصوب و اختیار تماس با مقامات ایرانی در زمینه مسائل حقوق بشر به وی داده شده است. همچنین مخبر ویژه کمیسیون در امور "اعدامهای خودسرانه و عجولانه" موظف به بررسی اقدام در زمینه فوق شده است. نتیجه تحقیقات، قرار شده است که به اجلاس عمومی و اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش شود.

سازمان عفو بین‌المللی نیز خواهان جلوگیری از اعدام زندانیان سیاسی شد. این سازمان از تمام شعب و اعضای خود در سراسر جهان خواسته است که نسبت به صدور احکام اعدام ۶۷ تن از زندانیان سیاسی ایران به دولت ج.ا. اعتراض کنند. عفو بین‌المللی طی تلکسی به موسوی اردبیلی نگرانی خود را در زمینه اجرای اعدامها ابراز و تقاضای لغو احکام را کرده است.

همچنین، به فراخوان "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران"، گروهی از شخصیت‌های مترقی

انگلستان و پارلمان این کشور و نیز اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی، از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد خواستار اقدام فوری برای نجات جان زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در ایران شده‌اند. و نیز اعتراض شدید خود را به رژیم ج.ا. طی نامه‌ای جداگانه به سفارت ج.ا. در لندن تسلیم کرده‌اند. در میان امضا کنندگان می‌توان از وین گریفیث، رابرت ویرینگ، رولاند بویز، هری کهن، ران براون، دنیس کانوان، از اعضا مجلس عوام، الف لوماس، میلارد گوردون، نمایندگان مجلس اروپا؛ کن کیل، دبیر کل یکی از بزرگترین اتحادیه‌های کارگری؛ اتحادیه "ام. اس. اف" (کارکنان صنایع تولیدی، علوم و مالی) و پیتر تامسون، از طرف اتحادیه بزرگ بخش خدمات دولتی نام برد.

"کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" در انگلستان، طی اعلامیه‌ای مطبوعاتی به افشای جنایتهای رژیم ج.ا. پرداخت و نیز به برپایی تظاهرات چشمگیری علیه صدور احکام اعدام ۷۰ نفر زندانی سیاسی در مقابل بانک ملی ایران در لندن دست زد که در مطبوعات آن کشور انعکاس یافت.

دستگیری اعضای "نهضت آزادی" را

محکوم می‌کنیم

بنا به گزارش خبرگزاری‌های خارجی، رژیم جمهوری اسلامی اقدام به دستگیری گروهی از اعضای نهضت آزادی ایران کرده است.

حزب توده ایران این عمل آزادی‌کشانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می‌کند و از همه مردم ایران، نیروهای مترقی و انقلابی و نیز مراجع مسئول بین‌المللی می‌طلبد، تا نسبت به آزادی دستگیر شدگان و همه زندانیان سیاسی کشور تلاش ورزند.

همبستگی

جوانان کمونیست دانمارک بامبارزات مردم ایران

سی و هفتمین کنفره "جوانان کمونیست دانمارک" در فروردین ماه امسال در کپنهاک بر گزار شد. در این کنفره نمایندگان سازمان‌های برادر از ۲۷ کشور جهان و از آنجمله هیئت نمایندگی "سازمان جوانان توده ایران" حضور داشتند. سی و هفتمین کنفره "جوانان کمونیست دانمارک" ضمن بررسی همه جانبه مبارزات جوانان این کشور علیه بیکاری و برای صلح عرصه پرشوری بود از همبستگی بین‌المللی با مبارزات جنبش‌های رهایی بخش ملی در سراسر جهان. در جریان کنفره، کمیته مرکزی سازمان "جوانان کمونیست دانمارک" یک پیام همبستگی با مبارزات مردم ایران و عراق علیه جنگ و اختناق انتشار داد، که به شرح زیر است:

"کمیته مرکزی "جوانان کمونیست دانمارک"، انزجار عمیق خود را از تشدید جنگ ایران و عراق، خصوصاً بمباران وحشیانه مناطق مسکونی توسط دو رژیم ارتجاعی و استفاده رژیم دیکتاتوری عراق از سلاح‌های شیمیایی - که به کشتار گروه عظیمی انجامیده است - ابراز می‌دارد و این اعمال ضد بشری را شدیداً محکوم می‌کند. ما خواهان قطع فوری این جنگ خانمانسوز و اجرای فوری قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد هستیم.

ما همبستگی رزمجویانه خود را با جوانان مترقی عراق و ایران و بویژه "سازمان جوانان توده ایران" و "فدراسیون جوانان دمکرات عراق"، که در شرایط دشوار ترور و اختناق علیه رژیم‌های دیکتاتوری برای صلح و دمکراسی می‌رزمند، اعلام می‌داریم. هیئت نمایندگی "سازمان جوانان توده ایران" در طول کنفره با هیئت‌های مختلف از جمله جمهوری خلق چین، جمهوری دمکراتیک خلق کره،

NAMEH
MARDOM
NO: 210

آدرس پستی:
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

7 June 1988

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است